



پاسخ‌های دولت جمهوری اسلامی ایران به فهرستی از موضوعات (CCPR/C/IRN/Q/3)
مورد بررسی در ارتباط با ملاحظه‌ی سومین گزارش ادواری آن (CCPR/C/IRN/3)
در جلسه یکصد و دومین کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد

ترجمه از مرکز اسناد حقوق بشر ایران

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center
129 Church Street, Suite 304
New Haven, CT, U.S.A. 16510

تلفن: ۱(۲۰۳) - ۷۷۲-۲۲۱۸

نمابر: ۱(۲۰۳) - ۷۷۲-۱۷۸۲

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

۲۱ شهریور ۱۳۹۰

متن اصلی: انگلیسی

میثاق بین‌المللی حقوق

مدنی و سیاسی

کمیته حقوق بشر

جلسه صد و دوم

ژنو، ۲۵ مهر ۱۳۸۹ تا ۱۳ آبان ۱۳۹۰

بررسی گزارش‌های تسلیم شده توسط دول عضو تحت اصل ۴۰ میثاق

جمهوری اسلامی ایران^۱

ضمیمه

پاسخ‌های دولت جمهوری اسلامی ایران به فهرستی از موضوعات (CCPR/C/IRN/Q/3)

مورد بررسی در ارتباط با ملاحظه‌ی سومین گزارش ادواری آن (CCPR/C/IRN/3)

۶ مرداد ۱۳۹۰

^۱ بر طبق اطلاعات عرضه شده به دول عضو در باب به جریان انداختن و پردازش گزارش‌های آنان، این سند به بخش خدمات ترجمه سازمان ملل به طور رسمی ویرایش نشده است.

۱. قوانین جمهوری اسلامی ایران تناقضی با اصول میثاق حقوق مدنی و سیاسی ندارند. بر اساس اصل نهم قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مقررات میثاق که با تعهدات ذکر شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انطباق دارند به منزله حقوق داخلی و ملی تلقی می‌شوند. به طور کلی، حقوقدانان و وکلا ترجیح می‌دهند عدالت را بر اساس حقوق داخلی و ملی به جریان بیندازند. ارجاع به متن اسناد حقوقی بین‌المللی به رفتار غالب تبدیل نشده است. اکثریت قضات، بر اساس حق تفسیر قضایی، تمایل دارند احکام خویش را بر اساس قوانین و مقررات داخلی صادر کنند. بر اساس فقدان نشر و توزیع همه احکام صادره، دسترسی به آنها آسان نیست. مورد خونهای آلوده با تعداد زیادی شاکی یکی از مواردی بود که تا حدی بر اساس میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد داوری قرار گرفته بود.

۲. در مورد مذکور، بیش از ۱۲۰۰ شکایت در مراجع قضایی ثبت شده بود و بر خلاف خلاء قانونی ناشی از ماهیت تازه و بی‌سابقه آن، قوه قضاییه توانست فرایند قضایی لازم را در مدت زمان کوتاهی به انجام رسانده و موضوع را خاتمه دهد.

۳. در مورد گفته شده، وزارت بهداشت، سازمان انتقال خون و شرکت تحقیقات و تصفیه‌ی خون مقصر شناخته شدند. بر اساس منابع غنی فقه اسلامی، دو حکم قضایی برای ۹۷۴ و ۱۷۱ شاکی صادر شد. سومین مورد مربوطه نیز تحت بررسی قضایی است.

۴. قضات پرونده‌های فوق، حکم خود را بر اساس مصلحت شاکیان صادر کردند، بدون توجه به جنسیت، قومیت، مذهب یا مبنای تبعیض آمیز دیگری. آنها حکم خویش را بر مبنای زیر استوار کردند:

الف) تمهیدات مربوط به خسارات ملموس و غیر ملموس؛

ب) تمهیدات مربوط به دعاوی پزشکی در گذشته، حال و آینده؛

پ) عذرخواهی رسمی طرف‌های محکوم شده از شاکیان در روزنامه‌های کثیرالانتشار.

۵. ذکر این نکته قابل توجه است که در موارد اول و دوم، سه تن از شاکیان از اقلیت زرتشتی، بسیاری از اقلیت‌های قومی مختلف، و دو تن از پناهندگان افغانی مقیم ایران بودند که به قرار زیر است:

شماره	استان	تعداد افرادی که در دو پرونده جبران خسارت شده‌اند
۱	مرکزی	۱۷
۲	کرمانشاه	۱۷
۳	کردستان	۲۴
۴	لرستان	۳۰
۵	گیلان، مازندران و گلستان	۶۷
۶	هرمزگان	۳
۷	همدان	۱۵
۸	خراسان	۵۶
۹	خوزستان	۳۱
۱۰	زنجان	۳۰
۱۱	آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل	۵۶
۱۲	کرمان	۱
۱۳	قم	۴
۱۴	قزوین	۱۳
۱۵	سمنان	۱۹
۱۶	فارس	۲۶
۱۷	اصفهان	۱۳۸
۱۸	چهار محال و بختیاری	۴
۱۹	تهران	۵۶۷

۶. بر اساس اصل اول قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، «میثاق‌هایی که با قانون اساسی انطباق داشته باشند در حکم قانون هستند.» شورای نگهبان مرجع قانونی برای تشخیص انطباق قوانین موضوعه و قانون اساسی است. این شورا هرگز تناقضی را میان میثاق حقوق مدنی و سیاسی با قانون اساسی جمهوری اسلامی گزارش نکرده است.

پاسخ به پرسش ۲

۷. در باب پاسخ جمهوری اسلامی ایران به اصل سوم در گزارش ادواری سوم، شورای نگهبان هیچ تفسیری از اصل ۱۱۵ قانون اساسی ارائه نکرده است.
۸. بر اساس اصول ۹۰ و ۱۱۲ قانون اساسی، هیچ‌گونه محدودیت جنسی برای عضویت در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت وجود ندارد.
۹. جمهوری اسلامی ایران اقدامات ترغیبی را برای جذب زنان در مسئولیت‌های قضایی انجام داده است. اطلاعات زیر بیانگر این واقعیت هستند.

آمار قضات زن

تعداد	پست سازمانی
۴۹۷	دستیار بازپرس عمومی و انقلاب
۸۲	مشاور قضایی
۱۸	معاون رئیس
۱۰	مشاور
۷	معاون بازپرس
۶۱۴	کل

۱۰. برای مقایسه، لازم به تذکر است که در سال ۲۰۰۳ دقیقاً ۱۶۱ قاضی زن و چهار معاون مجتمع قضایی زن وجود داشت. در عین حال، مشاوران زن در دادگاههای استیناف همان قدرت مردان را در تقریر و صدور حکم دارند.
۱۱. در باب ارتقای حرفه‌ای زنان، در ۲۴ اسفند ۱۳۸۰ شورای عالی اداری ملاک‌هایی را برای گزینش، نصب و تغییر مدیران «برای ارتقای مشارکت زنان در امور اداری اتخاذ کرد. بر این اساس بخش‌های اجرایی باید برنامه‌هایی را به اجرا در بیاورند و اقداماتی را به عمل آورند تا زنان لحاظ شده و تقویت شوند و در سطوح اجرایی منصوب شوند، به گونه‌ای که نقش زنان در حوزه‌های مختلف مدیریتی هر سال افزایش یابد.» بدین منظور، پست‌های

تازه‌ای بالاخص برای زنان در سطح ملی ایجاد شده است. پست مشاور رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، نصب مشاوران زن در حوزه زنان برای همه وزرا، عضویت زنان در شورای فرهنگی- اجتماعی زنان، ایجاد اداره کل امور زنان در همه استان‌ها، ایجاد معاونت وزیر در وزارت آموزش پرورش برای آموزش ابتدایی و در همه ادارات کل آن و نیز پست‌های مدیریتی در موسسات تحقیقاتی مرتبط با زنان تاکنون اقدامات اصلی بوده‌اند.

۱۲. علاوه بر موارد فوق، و بر اساس اصل شایستگی، زنان در جمهوری اسلامی ایران در رقابت سالم با مردان قادر به حضور در سطوح عالی تصمیم‌گیری و سلسله مراتب قدرت از جمله عضویت در دولت به عنوان وزیر، معاون وزیر، معاون و مشاور رئیس جمهور، عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت در کمیسیون‌های اجتماعی فرهنگی دولت و شورای اجتماعی دولت، مدیریت کل وزارتخانه‌های مختلف، و عضویت در نهادهای عالی تصمیم‌گیری مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اشتغال، شورای عالی بهداشت، شورای عالی جوانان، شورای عالی ایرانیان خارج کشور، و شورای عالی توسعه و برنامه ریزی استان‌ها بوده‌اند. ذکر این نکته مفید است که برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی چهار زن در کابینه حضور دارند.

۱۳. در هشتمین دوره انتخابات مجلس، ۵۸۵ نامزد زن حضور داشتند که ۸ تن از آنها صاحب کرسی نمایندگی شدند. این ارقام نشان می‌دهد که:

- در مقایسه میان انتخابات دور اول و هشتم مجلس، تعداد نامزدها و زنان انتخاب شده دو برابر شده است.
- نسبت نامزدهای زن برای انتخابات مجلس به تعداد کل نامزدها در انتخابات هشتم ۸،۱۶ است که افزایشی ۳۵۰ درصدی دارد.
- تعداد زنان عضو شوراهای اسلامی شهر و روستا ۱۴۹۱ تن در دوره سوم است که ۸،۴۴ درصد افزایش نسبت به دوره اول را نشان می‌دهد.

۱۴. وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران موفق‌ترین وزارتخانه در قوه مجریه در به کارگیری زنان در پست‌های مدیریتی بوده است. یک چهارم اعضای شورای معاونین شامل بر معاونین وزیر، روسای سازمان‌ها و مشاوران وزیر زن هستند. باید متذکر شد که در ساختار اخیر وزارت آموزش و پرورش، پست‌های مدیر کل امور زنان، معاون وزیر در آموزش ابتدایی، معاون وزیر برای آموزش ابتدایی استانی توسط زنان اشغال شده است. در حال حاضر، همه استان‌ها، شهرها و مناطق وزارت آموزش و پرورش تا کلاس چهارم معاونانی برای آموزش ابتدایی دارند که باید زن باشند.

۱۵. تعداد زنان شاغل در پست‌های مدیریتی در وزارت آموزش و پرورش در سطوح بسیار بالا، عالی رتبه و متوسط از ۴۵ زن در پایان سال ۲۰۰۵ به ۴۸۲ زن در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. این امر یک دستاورد برجسته به سوی باور به قدرت زنان و آماده کردن زمینه و فرصت‌های مبتنی بر شایستگی برای زنان و دختران است.

۱۶. به نظر می‌آید که گرچه برخی پست‌های مورد نظر برای زنان در تعدادی از سازمانها منحل شده است، پست‌های تازه به بسیاری از بخش‌های دیگر و متفاوت افزوده شده است، مثل پست‌های ایجاد شده در وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و بخش‌های دیگر از جمله قوه قضاییه. این امر به روندی رو به بالا در حضور موثر زنان در فرایند تصمیم‌گیری منجر شده است.

پاسخ به پرسش ۳

۱۷. اول آن که اجازه از پدر فقط شرط [ازدواج] برای یک دختر باکره است. دوم آن که این شرط فقط برای مصلحت خود دختر در نظر گرفته شده است. در شرایط فقدان قیم و در صورت سوء استفاده از این حق، دادگاه‌های صالحه می‌توانند به آسانی حکم ازدواج را صادر کنند. سوم آن که از منظر فقه اسلامی، این موضوع در میان موضوعاتی است که قضات در مورد آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بنابر این، در شرایط فقدان اجماع، اعمال تبصره‌های قانون مدنی می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد.

۱۸. موضوع پیش شرط برای طلاق در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در سالهای اخیر با تغییراتی مواجه بوده است. به عنوان مثال، برای اجرای صیغه طلاق بنا به درخواست مرد شرایط و محدودیت‌هایی وجود دارد که در قانون لحاظ شده است مثل دریافت حکم دادگاه و پرداخت همه حقوق زن. در حال حاضر، یک مرد نمی‌تواند بدون حکم دادگاه حق درخواست طلاق داشته باشد؛ این در حالی است که فرایند درخواست طلاق برای زنان بسیار آسان است مثل لحاظ حق طلاق زن در زمان ازدواج، یا امکان اجرای صیغه طلاق بعد از عسر و حرج، جایی که سوء رفتار یا سختی زندگی می‌تواند شرط را تامین کند. برای حفظ مصلحت کودکان و تحکیم بنیان خانواده، حق طلاق برای مرد یا زن می‌تواند در شرایط خاصی تحقق پیدا کند که در این صورت در ید قدرت یکی از دو طرف نخواهد بود.

۱۹. هیچ منع قانونی برای اعطای حضانت کودکان به مادر پس از هفت سالگی وجود ندارد. در این مورد خاص و برای لحاظ مصلحت کودک بالاخص برای تبیین مقدماتی وضعیت کودک تا سن هفت سالگی که سن احساسات است، اولویت حضانت به مادر داده شده است. بالاتر از سن هفت سالگی، اولویت حضانت به پدر داده

شده است. در عین حال، تردیدی نیست که در نظر گرفتن مصلحت کودک اولویت زیادی دارد و بر هر ملاحظه دیگری تقدم پیدا می‌کند. بدین ترتیب، در موضوع مورد بحث، مصلحت کودک ملاک حضانت است.

۲۰. در شرایط مرگ پدر و نیاز به تعیین یک قیم، نه تنها هیچ منعی برای قیمومت مادر وجود ندارد، مادر تقدم نیز دارد. در عمل، اگر مادر واجد صلاحیت تشخیص داده نشود، قیمومت به دیگر بستگان کودک برای لحاظ مصالح عالی خود کودک واگذار می‌شود.

۲۱. نظام مالی زن و شوهر تحت قوانین ایران به منزله یک مجموعه تعریف شده است که باید در کنار هم دیده شود. اگر فردی نگاهی جامع داشته باشد، می‌تواند درک کند که حقوق زنان کاملاً در نظر گرفته شده‌اند. نخست آن که زنان استقلال مالی دارند و از حق برابر مالکیت برخوردارند. دوم آن که در مقایسه با شوهرانشان از حقوق مالی بیشتری مثل مهریه، نفقه و اجرت (خدمات در خانه) برخوردارند. سوم آن که نظام ارث یک نظام مالی مبتنی بر کلمات قرآن کریم است که در بسیاری از موارد قابل تغییر نیست. در مورد میزان ارث زنان و علل آن، نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند:

الف) وظایفی مثل شرکت در جنگ و خدمت اجباری نظام از روی دوش زنان برداشته شده است؛
ب) نفقه و مهریه از امتیازات مالی هستند که به زنان اختصاص دارد و مردان باید بپردازند؛
ج) در بسیاری از موارد دیه باید توسط مردان پرداخت شود (برای کمک به بستگان) و زنان از پرداخت آن معاف هستند.

بنابراین، باید توجه کرد که اگر حقوق مردان و زنان در یک رهیافت جامع لحاظ شود، هیچ بی‌عدالتی علیه زنان صورت نگرفته است.

۲۲. موضوع اطاعت یا تسلیم میان زن و شوهر مسئله مورد بحث در اینجا نیست، اما با در نظر گرفتن مصالح عالی کودک و بنیان خانواده، مدیریت امور مالی و تحصیلی خانواده به شوهر واگذار شده است که در عمل از طریق توافق میان زوج به نحوی که عملاً نقش زنان جدی تر و برجسته تر از مردان شده صورت گرفته است.

۲۳. قانون صدور گذرنامه که اجازه شوهر را برای مسافرت زن به خارج از کشور ضروری می‌داند اکنون در مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است و هیچ منع مذهبی برای برداشته شدن آن وجود ندارد.

۲۴. بر اساس ماده شانزدهم قانون حمایت از خانواده و ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، چند همسری در جمهوری اسلامی ایران منع شده است اما در شرایط خاص از جمله دیوانگی زن، محکومیت وی به زندان و ناباروری می‌تواند مجاز دانسته شود.

۲۵. منع اشتغال همسر نیز چنان که می‌آید در ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده آمده است: «شوهر می‌تواند بر اساس حکم دادگاه زوجه را از هر اشتغالی که با مصالح خانواده یا کرامت شوهر و زن تباین دارد باز دارد. زن نیز می‌تواند همین کار را انجام دهد. دادگاه می‌تواند مرد را از اشتغال خاصی اگر این امر به معیشت خانواده ضرری نمی‌رساند باز بدارد.» بنابراین، این حق به طور مساوی برای شوهر و زن در نظر گرفته شده است و نه تنها برای شوهر.

۲۶. با توجه به مشکلات کودکان مادران ایرانی که با شهروندان دیگر کشورها ازدواج کرده‌اند، قانون وضعیت تابعیت کودکان زاده شده از مادران ایرانی و مردان خارجی توسط مجلس شورای اسلامی در ۲۳ شهریور ۱۳۸۵ به تصویب رسید و در ۱۲ مهر همان سال به تایید شورای نگهبان رسید. بر اساس این قانون، «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.»

۲۷. وزارت کشور تولد کودک را در ایران و مدارک ازدواج را (بر اساس ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی) مورد بررسی قرار خواهد داد و بر اساس تایید وزارت کشور، پلیس مجوز اقامت دائم برای پدران خارجی مشمول این قانون صادر خواهد کرد. کودکان مشمول این قانون اجازه خواهند یافت تا پیش از کسب تابعیت ایران در کشور اقامت گزینند.

ا) تبصره ۱- چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

ب) تبصره ۲- از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

۲۸. در اجرای اهداف ذکر شده در این قانون، کمیسیونی مربوط به اعطای تابعیت در وزارت خارجه در سال ۱۳۸۶ تاسیس شد. این کمیسیون تقاضاها و مدارک مربوط به تابعیت ایرانی و اعطای تابعیت به متقاضیان با مادر ایرانی را بررسی می کند. در چهار سال گذشته، این کمیسیون ۲۴ جلسه تشکیل داده و ۱۶۲۵ تقاضا را تصویب کرده است. اکثر کسانی که تابعیت ایرانی به آنها اعطا شده دارای پدر افغانی یا عراقی بوده اند. مواردی از قبیل اعطای تابعیت به فرزندان با مادر ایرانی متولد داخل یا خارج کشور قبل از سن هجده سالگی در یک طرح قانونی در مجلس مورد بررسی است.

پاسخ به پرسش ۴

۲۹. جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تجاوز به حقوق و تعهدات خانواده (مواد ۶۴۲ تا ۶۴۷) مقرراتی را در نظر گرفته که توسط مراجع قضایی اعمال می شوند.

۳۰. بر اساس ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، در فصل تجاوز علیه افراد صغیر و اشخاص، قانونگذار ایرانی تنبیهاتی را برای اشخاصی که به افراد صغیر و زنان در امکانه عمومی آزار برسانند در نظر گرفته است.

۳۱. رعایت حقوق زنان توسط قانونگذار در ماده ۶۲۲ قانون مذکور مورد ملاحظه واقع شده است و تمهیدات خاصی برای تنبیه متجاوزانی که به زنان حامله آسیب برسانند در نظر گرفته شده است.

۳۲. این مواد کلی و عام هستند و می توان آنها را به شوهرانی که زنان خود را می زنند یا از کلمات رکیک استفاده می کنند تعمیم داد.

۳۳. اقدامات پیشگیرانه و حمایتی برای زنان و قربانیان آسیب پذیر مشتمل بر تاسیس ادارات حمایت و توانبخشی و اجرای برنامه های مداخله در بحران های فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ ایجاد یک خط تلفن اضطراری اجتماعی؛ تمهید خدمات اضطراری سیار؛ تاسیس ۲۴ مرکز توانبخشی و ۳۱ خانه بهداشت برای زنان و دختران.

۳۴. تاسیس ادارات حمایت و توانبخشی در سازمان بهزیستی و اجرای برنامه هایی تحت عنوان مداخله در بحران های فردی، خانوادگی و اجتماعی (۱۳۷ مرکز اورژانس اجتماعی در کشور) به کنترل و کاهش بحران های مذکور در کشور یاری رسانده است.

اهداف این برنامه ها بدین قرارند:

ا) ارتقای دانش و آگاهی افراد آسیب پذیر و افراد آسیب دیده در برابر مشکلات اجتماعی و یاری رساندن به آنها با ارزیابی موقعیت در شرایط حاد؛
ب) قدرت بخشی به افراد آسیب پذیر و آسیب دیده علیه مشکلات فردی و اجتماعی در شرایط حاد از طریق تمهید خدمات تخصصی در زمان مناسب؛
ت) ارتقای آگاهی و دانش خانواده و جامعه از نیازهای موجود برای تسهیل فرایند حل مسئله در موقعیت های حاد؛

ث) تشخیص حوزه های آسیب و نقاط کانونی و اقدامات تخصصی در فروخواباندن بحران ها؛

ج) تشخیص آسیب های اجتماعی تازه و مکرر؛

ح) آماده کردن زمینه برای مشارکت مردم و سازمان های غیر دولتی؛

خ) مداخله موثر برای کاهش تجاوزات، ممانعت از انباشت بحران ها، و کاهش رنج افراد آسیب پذیر.

۳۵. ایجاد یک خط تلفن اورژانس یا اضطرار اجتماعی (خط ۱۲۳) با هدف کلی کنترل و رفع آسیب اجتماعی.

اهداف این برنامه بدین قرارند:

ا) مداخله ی تخصصی و موثر با هدف پیش گیری از انباشت بحران و آسیب اجتماعی و رفع رنج افراد آسیب پذیر و تحت تاثیر واقع شده؛
ب) تسهیل دسترسی به خدمات اجتماعی مربوطه در حوزه ی اجتماعی با تاکید بر آسیب اجتماعی؛
ت) تحلیل آسیب اجتماعی

۳۶. تمهید خدمات اورژانس سیار با هدف کلی قدرت بخشی افراد آسیب پذیر و در حال رنج کشیدن از طریق

استفاده از حدود ۲۰۰ وسیله نقلیه خاص

اهداف اصلی:

ا) فراهم آوردن خدمات تخصصی به موقع به افراد آسیب پذیر و در حال رنج کشیدن؛
ب) تسهیل دسترسی به خدمات اجتماعی مربوطه در حوزه ی اجتماع با تاکید بر آسیب اجتماعی؛
ت) ارائه ی اطلاعات به افراد در مورد برنامه ها و فعالیت های میدانی سازمان بهزیستی و دیگر منابع اجتماعی؛

ث) تشخیص حوزه های آسیب ساز و نقاط کانونی.

۳۷. تاسیس ۲۴ مرکز توانبخشی برای زنان و دختران در ۲۲ استان کشور. استان های تهران و خراسان رضوی هر یک

دو مرکز تاسیس کرده اند.

اهداف و خدمات این طرح شامل هستند بر:

ج) پیشگیری و کنترل انباشت آسیب، توانبخشی و نیز قدرت بخشی روان شناختی و اجتماعی به زنان و دختران. افراد واجد شرایط از طریق مراجع قضایی، پلیس، مراکز مداخله در بحران‌ها و خود افراد به این مراکز معرفی و پذیرش می شوند.

ح) فراهم آوری کمک اجتماعی تخصصی، آموزش شغلی با هدف ایجاد شغل، تسهیلات و کمک‌های آموزشی، آموزش هنر و مهارت‌های زندگی، برنامه‌های اوقات فراغت، و کمک مادی موقت و دائمی. قابل ذکر است که با بازگشت زنان و دختران به خانواده و ازدواج و شکل دادن به یک خانواده مستقل و اشتغال، آنها برای دریافت کمک و مشاوره‌ی متداوم از مددکاران اجتماعی مراکز برای اطمینان یابی از تامین اجتماعی و استقلال خویش واجد شرایط می شوند.

۳۸. تاسیس ۳۱ خانه بهداشت در سراسر کشور با هدف قدرت بخشی به زنان و دخترانی که از حیث اجتماعی آسیب پذیر و در حال رنج هستند و پیش گیری از آسیب بیشتر.

اهداف اصلی:

أ) فراهم آوردن حمایت و پشتیبانی برای دختران آسیب پذیر و نیازمند کمک اجتماعی؛

ب) آماده کردن زمینه برای آموزش، اشتغال، خودکفایی و استقلال افراد آسیب دیده؛

ت) به رسمیت شناختن استعدادها و توانایی‌های دختران آسیب پذیر با هدف هدایت آنان به استفاده از ظرفیت‌های خدادادی آنان.

۳۹. دختران پذیرفته شده به این مراکز معمولاً به حمایت اجتماعی نیاز دارند و به خاطر فقدان حمایت موثر خانوادگی یا سوء رفتار در محیط خانواده به طور موقت شیرازه زندگی و استعداد و آمادگی طبیعی خود را از دست داده‌اند. آنها در معرض آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی قرار گرفته و فاقد حمایت اجتماعی هستند و می‌توانند به دام مشکلات اخلاقی و آسیب اجتماعی گرفتار شوند.

۴۰. در باب انطباق ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و تمهیدات میثاق می‌توان گفت که اولاً «وجود سوء ظن» که در سوال آمده شرط تحقق این ماده نیست، بلکه تحقق ملزومات آن بسیار دشوار است. به عنوان نمونه، در مورد وقوع زنا باید علم حاصل شود و نه ظن. مدعی باید ادعای خود را در دادگاه اثبات کند که کار دشواری است. بنابراین، در عمل ارجاع به این ماده به شدت نادر است و در اکثر موارد به عنوان یک عامل بازدارنده و اختار دهنده در نظر گرفته می‌شود و نه حقیقتاً برای معاف کردن یک مرد از تنبیه.

۴۱. دوم آن که، از این جهت، قصد قانونگذار این بوده که «به دلیل فقدان اراده‌ی آزاد مباشر در ارتکاب به این عمل مجرمانه، مدعی محکوم به باز پس‌گیری ادعاست.» در عین حال، تاکید بر این است که در سال‌های اخیر حتی یک مورد از این نوع جنایت به چشم نمی‌خورد. در باب دیگر جرائم در محیط خانواده، موارد باید برحسب شکایات مدعیان در معرض داوری عادلانه قرار گیرند یا مدعیان بر اساس قوانین عادی مورد بررسی قرار گیرند و حکم مربوطه صادر شود.

پاسخ به پرسش ۵

۴۲. این پرسش فراتر از چارچوب و موضوع میثاق حقوق مدنی و سیاسی است.

پاسخ به پرسش ۶

۴۳. مجازات اعدام برای جنایات سنگین و بسیار جدی یک مجازات قانونی شناخته شده است و مدارک بین‌المللی آن را تایید کرده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران، مجازات اعدام فقط برای جرائم بسیار جدی در نظر گرفته شده است. قانونگذار اعدام را برای جنایت عمدی در نظر نگرفته است مگر آن که صاحب دم تقاضای قصاص در نوع داشته باشد و دیوان عالی با این تقاضا موافقت کند (ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی). در غیر این صورت، اگر شاکی عفو کند، متهم به ۳ تا ۱۰ سال حبس تعزیری (در فقه اسلامی، تنبیهی است دارای محدوده‌های حداقلی و حداکثری که قانون و قاضی به ترتیب آن را معین می‌کنند) محکوم می‌شود (ماده‌ی ۲۰۸ قانون مدنی) و در صورت پرداخت دیه قابل آزاد شدن است (ماده‌ی ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی).

۴۴. جدی‌ترین جرائم با حساسیت خاص در دادگاه‌های کیفری استان با حضور پنج قاضی مجرب که در مراتب عالی پست‌های قضایی قرار دارند، نماینده دادستان، متهم و وکیل مدافع مورد بررسی قرار می‌گیرند. دادگاه جلسات لازم را تشکیل داده و پس از بررسی همه‌ی مدارک موجود، کسب گزارش‌های افراد خبره، شامل بر گزارش پزشکی قانونی، استماع دفاعیات متهم، دریافت دفاعیه، استماع شکایت شکات، و نیز استماع سخنان افرادی که اطلاعاتی در مورد پرونده دارند و در نهایت با کسب مشورت‌های لازم حکم صادر می‌کند.

۴۵. جلسه دادگاه تنها با حضور وکیل برقرار می‌شود. در صورتی که دادگاه بدون حضور وکیل برقرار شود، حکم باطل اعلام شده و توسط دیوان عالی رد می‌شود.

۴۶. حکمی که بدین طریق صادر می شود قابل استیناف در دیوان عالی است. برای تدقیق بیشتر و ملاحظه حقوق متهم و بعد از نهایی شدن حکم و پیش از اجرای آن، مرحله استیذان در نظر گرفته شده است. همچنین با گذشت زمان آیین نامه های متعدد دادرسی تهیه شده است که کمبودهای احتمالی پیشین را رفع کرده است. بنا بر این همه حقوق متهم در مراحل مختلف فرایند قانونی رعایت می شود. بررسی تقاضای استیناف، مرحله استیذان، عدم اجرای حکم در صورت بیماری محکوم یا حاملگی زن تا دوسالگی سن کودک، ملاقات محکوم با بستگان و نوشتن وصیت نامه برخی از حقوق در نظر گرفته شده برای محکوم هستند که قانون و دستگاه قضایی آنها را تضمین کرده است.

پاسخ به پرسش ۷

مجازات جرائم افراد زیر ۱۸ سال در جمهوری اسلامی ایران:

۴۷. بر اساس ملاحظات اسلامی و انسانی، جمهوری اسلامی ایران در برابر مجرمان زیر ۱۸ سال انعطاف بسیاری نشان داده است شامل بر ضرورت استماع پرونده ای آنها در دادگاه های خاص و اعمال مجازات های تخفیفی و سبک تر برای آنان. تنها در مورد قتل عمد توسط افراد زیر ۱۸ سال، دادگاه کیفری استان با حضور پنج قاضی تشکیل می شود. بر اساس قانون و فقه اسلامی، قصاص در نوع برای قتل عمد قابل اجراست. در این ارتباط، دولت فقط مسئول بررسی و تحقیق در ماهیت جرم و اجرای حکم مربوطه است. خود اجرای مجازات به تقاضای صاحبان دم بستگی دارد. در حال حاضر، حتی پس از نهایی شدن حکم دادگاه و تایید آن توسط دیوان عالی، اجرای حکم توسط کمیسیون صلح انجام می شود تا رضایت صاحبان دم اخذ شده و دیه جایگزین حکم قصاص شود.

۴۸. در سال های اخیر، دهها فرد از مجازات رهایی یافته اند و تشویق مصالحه سیاست اصلی جمهوری اسلامی بوده است. بر این اساس، حتی کمک مالی توسط قوه قضاییه برای خانواده هایی که نمی توانند دیه را بپردازند تامین شده است.

۴۹. تاسیس یک گروه کاری برای پیش گیری از حکم اعدام یکی از اقدامات قوه قضاییه بوده است. این گروه کاری در حقیقت یک زیر گروه از کمیته اجرایی حمایت از حقوق کودکان و جوانان بوده است که خود تحت دفتر دادستان کل استان تهران فعالیت می کند. این کمیته نقش الگو را برای دیگر استان ها بازی کرده است. این گروه کاری با هدف توقف اعدام از طریق مصالحه و آشتی تاسیس شده بود.

۵۰. این گروه کاری حداکثر تلاش خود را برای کسب رضایت صاحبان دم در جریان فرایند قضایی انجام می‌دهد.

گروه کاری مزبور مشتمل است بر:

- نماینده‌ی مقامات ملی در حقوق کودکان
- روانشناس مرکز بازپروری
- مددکار اجتماعی مرکز بازپروری
- مدیر مرکز بازپروری
- وکیل حقوق کودکان و جوانان
- دبیر کمیته اجرایی حمایت از حقوق کودکان و جوانان (اداره دادگستری تهران)
- مامور جمع‌آوری کمک‌های ملی

۵۱. هنرمندان، اعضای نهادهای غیر دولتی، متخصصان حوزه‌ی کودکان و نوجوانان، و نیز اعطا کنندگان کمک‌های

مالی اعضای افتخاری این گروه کاری هستند.

۵۲. روش‌های کار گروه کاری بدین قرارند:

- گزارش اداره‌ی دادستانی، دادگاه، مدیر مرکز بازپروری یا اداره‌ی پلیس (استان تهران) در مورد ورود جوان متهم به قتل یا هر جرم دیگر قابل مجازات با اعدام به دستگاه قضایی،
- بررسی شخصیت متهم توسط مددکار اجتماعی،
- بازدید مددکار اجتماعی از خانه متهم،
- ملاقات وکیل با خانواده‌ی قربانی،
- ارائه‌ی گزارش به کمیته توسط مددکار اجتماعی،
- تصمیم‌گیری توسط کمیته در باب اقدامات لازم بعدی،
- دعوت از افراد با نفوذ جهت کسب رضایت از صاحبان دم، در صورت لزوم،
- دعوت از صاحبان دم و ملاقات گروه کار با قاضی تحقیق

۵۳. بر اساس مواد ۸۷ و ۸۸ لایحه قانون مجازات اسلامی که در حال حاضر تحت بررسی شورای نگهبان است همه

مجازات‌های تعزیری و بازدارنده برای افراد زیر ۱۸ سال از جمله اعدام تنبیه بدنی و زندان باید جای خود را به بازپروری آموزشی و تامینی بر اساس سن بدهند. در باب حد (درجه و نوع این مجازات در شریعت مشخص نشده است) و قصاص، آنها نیز در شرایط آسان قابل جایگزینی با اقدامات آموزشی و تنبیهی هستند. بر اساس ماده‌ی ۹۰ این طرح «برای جرائم قبل مجازات با حد و قصاص (انتقام‌گیری بر اساس نوع) هنگامی که مرتکب

یک جرم زیر ۱۸ سال داشته باشد و نتواند ماهیت جرم خود یا غیر قانونی بودن آن را درک کند یا در جایی که شک در مورد بلوغ ذهنی او وجود داشته باشد بر اساس ماهیت هر مورد خاص و سن مرتکب مجازاتی در این فصل در نظر گرفته می‌شود.»

۵۴. ماده ۸۷ بیان می‌کند که برای کودکان ۹ تا ۱۵ سال در زمان ارتکاب جرم تعزیری، بر اساس مورد، دادگاه می‌تواند یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ کند:

أ) مرتکب را به والدین یا قیم‌های قانونی بر اساس دریافت تعهدنامه‌ای مبنی بر آموزش جوان برای در پیش گرفتن رفتار خوب اجتماعی تسلیم کند. در این موارد، دادگاه بر اساس تشخیص خود می‌تواند اقدامات زیر را از آنها بخواهد:

۱) معرفی کودک یا نوجوان به یک مددکار اجتماعی یا یک روانشناس یا دیگر متخصصان و همکاری با آنها؛

۲) فرستادن کودک یا نوجوان به یک موسسه‌ی آموزشی یا فرهنگی برای آموزش یا کارآموزی شغلی؛

۳) انجام اقدامات لازم برای درمان و ترک اعتیاد کودک یا نوجوان تحت مراقبت پزشک؛

۴) جلوگیری از درگیر شدن کودک با کسانی که بر اساس تشخیص دادگاه او را گمراه می‌کنند؛

۵) جلوگیری کودک یا نوجوان از رفتن به مکان‌هایی خاص؛

ب) تسلیم کودک یا نوجوان به دیگر موسسات قانونی یا خصوصی به تشخیص دادگاه در صورتی که والدین صلاحیت نداشته باشند و بر اساس مقتضیات ذکر شده و در نظر گرفتن ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی؛

ت) مشاوره دادن به کودک؛

ث) اخطار دادن و یادآوری کردن به کودک پس از دریافت تعهد در مورد عدم تکرار جرم؛

ج) نگهداری از کودک یا نوجوان در مرکز بازپروری برای ۳ ماه تا یک سال، در صورتی که جرم از نوع تعزیری ۱ تا ۵ باشد.

۵۵. تبصره‌ها:

أ) تبصره ۱: تصمیمات بندهای ت و ث فقط بر کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال قابل انطباق هستند. همچنین اطلاق بند ت برای مرتکبان جرائم تعزیری اجباری است.

ب) تبصره ۲: هرگاه یک فرد کم سن و سال مرتکب جرمی شود که مستحق حد یا قصاص باشد، در صورتی که وی میان ۱۲ تا ۱۵ سال قمری داشته باشد، او تحت ملاحظات بندهای ت و یا ث قرار می گیرد. در غیر این صورت، ملاحظات بندهای الف تا پ بر او اطلاق می شود.

ت) تبصره ۳: نسبت به ملاحظات بندهای الف و ب ماده‌ی مذکور، دادگاه کودکان و نوجوانان می تواند بنا به تحقیقات و گزارش‌های مددکاران اجتماعی در مورد وضعیت کودک و رفتار وی تصمیم خود را بر اساس مصلحت کودک تا هرچند بار که ضروری تشخیص دهد اتخاذ کند.

۵۶. ماده‌ی ۸۸ اقتضا دارد که برای نوجوانان میان ۱۵ تا ۱۸ سال قمری در زمان ارتکاب جرم تعزیری مجازات‌های زیر اعمال شود:

أ) نگاهداری در مرکز بازپروری از ۲ تا ۵ سال برای جرائمی که مستحق مجازات تعزیری ردیف ۱ و ۳ هستند؛

ب) نگاهداری در مرکز بازپروری از ۱ تا ۳ سال برای جرائمی که مستحق مجازات‌های تعزیری ردیف ۴ هستند؛

ت) نگاهداری در مرکز بازپروری از سه ماه تا ۱ سال یا پرداخت جریمه‌ی نقدی از ۱۰ تا ۴۰ میلیون ریال یا ۱۸۰ تا ۷۲۰ ساعت خدمات عمومی مجانی برای جرائمی که مستحق مجازات‌های تعزیری ردیف ۵ هستند؛

ث) پرداخت جریمه‌ی نقدی از ۱ تا ۱۰ میلیون ریال یا انجام ۶۰ تا ۱۸۰ ساعت خدمات عمومی مجانی برای جرائمی که مستحق مجازات‌های تعزیری ردیف ۶ هستند؛

ج) پرداخت جریمه‌ی نقدی تا ۱ میلیون ریال برای جرائمی که مستحق مجازات‌های تعزیری ردیف ۷ و ۸ هستند.

۵۷. تبصره‌ها:

أ) تبصره‌ی ۱: خدمات عمومی بیش از چهار ساعت در روز نخواهد بود؛

ب) تبصره‌ی ۲: با ملاحظه‌ی موقعیت محکوم علیه و جرم، دادگاه باید در باب محدود کردن وی در مرکز بازپروری یا جریمه‌ی نقدی با حبس در خانه برای ساعاتی که دادگاه مشخص می کند یا حبس در مرکز بازپروری در طی دو روز آخر هفته بر حسب مورد برای ۳ ماه تا ۵ سال تصمیم بگیرد.

۵۸. تصویب مواد فوق سهم قابل توجهی در حذف اعدام و دیگر مجازات‌های سخت برای افراد زیر ۱۸ سال خواهد داشت.

۵۹. بنا به آمار موجود، تا فروردین ۱۳۹۰، ۶ محکوم منتظر اعدام و ۱۳ محکوم منتظر قصاص (در نوع) هستند.

پاسخ به پرسش ۸

۶۰. در لایحه قانون مجازات اسلامی، تعبیر «مهدور الدم» (کسی که خون او با مصونیت قابل ریخته شدن است) حذف شده و هیچ کس مستحق مرگ نخواهد بود. مجازات‌هایی برای همه جنایات در نظر گرفته شده‌اند. هیچ مورد از این قبیل از سال ۱۳۸۷ وجود نداشته است.

پاسخ به پرسش ۹

۶۱. نسبت به توضیح ارائه شده توسط جمهوری اسلامی در گزارش ادواری سوم مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در باب مواد ۷، ۱۰ و ۱۴، اگر ادعایی به مقامات مربوطه قضایی عرضه شود، در این ارتباط، رعایت ملزومات قانون آیین دادرسی کیفری بر طبق اصل قانونی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پاسخ به پرسش ۱۰

۶۲. جمهوری اسلامی ایران «قتل‌های ناموسی» را غیر قابل قبول و ممنوع می‌شمارد. قانونگذار مرتکب را بر حسب درخواست صاحب دم مستحق قصاص (بر حسب نوع) یا پرداخت دیه دانسته است. حتی در صورت فقدان شکایت توسط صاحبان دم یا رضایت آنها، یا غیبت شاکی، ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی زندانی شدن مرتکب را لازم می‌شمرد. با شریک جرم که از خانواده‌ی قربانی است بر طبق ماده ۲۰۷ همان قانون برخورد خواهد شد. در شرایط فقدان درخواست قصاص، دیه یا رضایت و بخشش صاحبان دم، مرتکبان آزاد یا بخشیده نمی‌شوند، مگر در شرایط استثنایی.

۶۳. علاوه بر اجرای تنبیهات و برخورد جدی با مجرمان، اقدامات پیشگیرانه مثل برنامه‌های آگاهی بخشی، برقراری جلسه با روحانیت مناطقی که این جرائم در آنها رخ داده و جلسات آموزشی در برنامه مقامات مربوطه قرار داشته است. مقامات آموزشی و فرهنگی در مورد روند موجود اخطارها و مشورت‌هایی را دریافت داشته‌اند.

پاسخ به پرسش ۱۱

۶۴. نسبت به توضیح ارائه شده توسط جمهوری اسلامی در گزارش ادواری سوم مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در باب مواد ۷ و ۱۰، باید متذکر شد که از سال ۱۳۸۶، ۱۳ شکایت در مورد سوء رفتار و توهین توسط ماموران مختلف اجرای قانون علیه افراد بازداشت شده به مقامات مربوطه عرضه شده است. اداره ویژه بازرسی کارکنان دولت موارد فوق را مورد تحقیق قرار داده و در همه مواردی که متهم مقصر شناخته شده است اقدامات قانونی برای استیفای حقوق مدنی افراد و کرامت آنها و نیز پرداخت غرامت انجام گرفته است. پرداخت غرامت و دیه به افراد خسارت دیده در طی شورش‌های بعد از انتخابات سال ۲۰۰۹ در میان موارد اخیر از اقدامات انجام شده توسط مقامات مربوطه است.

پاسخ به پرسش ۱۲

۶۵. در ارتباط با توصیف ماده ۲، علاقه مندیم ابراز کنیم که «محاربه» به غلط به «دشمنی با خدا» ترجمه شده است. در واقع، محاربه نمونه‌ای از فعالیت‌های تروریستی است. محارب کسی است که در برابر مردم سلاح به دست می‌گیرد تا آنها را ارباب کند. بنابراین عملی است متوجه به اخلال در نظم عمومی؛ اخلال در امنیت عمومی و تهدید مردم؛ محاربه هیچ ارتباطی با جنگ با خدا ندارد.

۶۶. دوم آن که در قانون ایران، جرائم به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شامل است بر حدود و قصاص که مجازات‌های آنان در شریعت مشخص شده و نمی‌توان آنها را تغییر داد یا جایگزین کرد. البته، این جرائم بسیار نادر و اندک هستند و اثبات آنها معمولاً دشوار است. دسته دوم شامل است بر جرائم تعزیری و بازدارنده که دامنه گسترده‌ای از جرائم را در بر می‌گیرد. قانون تعزیرات که اکنون تحت بررسی و ویرایش در قوه قضاییه است تنبیه بدنی برای جرائم تعزیری در نظر نگرفته است. لایحه اصلاح قانون تعزیرات پس از تکمیل و ویرایش نهایی برای تصویب توسط دولت به مجلس شورای اسلامی تسلیم خواهد شد. باید متذکر شد که احکام قطع عضو بسیار نادر هستند و اگر صادر شوند، بخش اجرا و بالاحص کمیسیون عفو استانی تلاش می‌کند آنها را به جریمه تبدیل کند.

پاسخ به پرسش ۱۳

۶۷. بر اساس ماده‌ی ۱۱۲ آیین دادرسی کیفری، احضار افراد با صدور حکمی که نام کامل و آدرس متهم را در بر دارد و توسط یک قاضی تحقیق امضا شده انجام می‌شود. بدین ترتیب، صدور حکم بازداشت به طور کلی ممنوع است. در صورت نقض این قانون، ناقض بر مبنای قانون قابل شکایت است.

پاسخ به پرسش ۱۴

۶۸. بر اساس توصیف مواد ۱۰ و ۱۴ سومین گزارش ادواری، با توجه به مواد ۲۴ و ۱۲۷ آیین دادرسی کیفری، هیچیک از ماموران تحقیق، دادگاه‌ها، و شعبات مجاز به بازداشت و حبس فرد متهم برای بیش از ۲۴ ساعت نیستند. موارد بازداشت موقت پیش از محاکمه در مواد ۳۲ تا ۳۷ آیین دادرسی کیفری به گونه‌ای بیان شده‌اند که قاضی تحقیق با وجود دلایل و شواهد قوی می‌تواند حکم بازداشت موقت صادر کند. در عین حال، تصمیم وی قابل اعتراض است و می‌توان آن را به مراجع بالاتر ارجاع داد. در صورت صدور حکم بازداشت موقت، قاضی تحقیق باید وضعیت متهم را در یک ماه برای جرائم عمومی و چهار ماه برای جرائم مرتبط با مواد مخدر روشن سازد. دوره بازداشت نباید از حداقل مجازات در نظر گرفته شده برای جرم ارتكابی بیشتر باشد.

۶۹. در ارتباط با موارد بازداشت‌های پیش از محاکمه، قاضی تحقیق باید بلافاصله حکم دیگری را در صورت رفع نیاز به بازداشت موقت صادر کند. این عدد ممکن است در طی روز تغییر کند. در جمهوری اسلامی ایران، همه زندان‌ها توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اداره می‌شوند که تحت قوه قضائیه است. بر همین اساس هیچ مکان دیگری به عنوان زندان یا بازداشتگاه بیرون از حیطه قدرت مراجع گفته شده‌ی زندانها وجود ندارد. همه قضات باید متهمان را با صدور یک معرفی نامه به یک زندان یا بازداشتگاه معرفی کنند. مراجع زندان نمی‌توانند افراد را پذیرش کنند مگر آن که یک معرفی نامه رسمی توسط قاضی مربوطه به آنها ارسال شود.

۷۰. باید متذکر شد که با ملاحظه پرسش مطرح شده، که پاسخ مذکور بدان داده شد، به نظر می‌آید که ارجاع به پرسش ۱۴ (به بند ۳۱۷ گزارش ادواری) نادرست است.

۷۱. اصول ۲۰ و ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارند که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» این اصول در یک نگاه نشان از جایگاه و ارزش انسان و نیاز به محافظت از کرامت وی دارد. اصل ۳۲ با تایید و انطباق با این دو اصل، بیان می‌دارد که هیچ کس را نمی‌توان بدون قدرت قانونی بازداشت کرد و متهم باید بلافاصله کتبا تفهیم اتهام شود (مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ آیین دادرسی کیفری). اصل ۳۸ بیان می‌دارد که «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۷۲. همان طور که در اصول فوق به روشنی بیان شده، هرگونه اعتراف تحت شکنجه و تعقیب باطل است. ماده ۱۹۴ آیین دادرسی کیفری می‌گوید: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچگونه شک و شبهه‌ای نباشد و قراین و امارات نیز موید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رای می‌نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم نموده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می‌نماید.» مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ آیین دادرسی کیفری نیز فرهم آورنده‌ی روشنی موضوع مورد بررسی بوده و به کسب اطمینان توسط قاضی تحقیق منجر می‌شوند.

۷۳. در بسیاری از موارد دیگر، متهمان اعترافات قبلی خود را در حضور وکلای مدافع تکرار می‌کنند که این امر دلیل بیشتری برای ماهیت واقعی اعتراف در زمان تحقیق فراهم می‌آورد. در صورت هرگونه ادعای شکنجه، مقام قضایی فرد مدعی را برای بررسی پزشکی به پزشکی قانونی اعزام می‌کند. در هر صورت و در هر مرحله، اگر روشن شود که اعتراف از طریق شکنجه، تعقیب یا اذیت و آزاد اخذ شده، اعتراف باطل شده و با ناقض قانون مطابق با قانون رفتار خواهد شد. علاوه بر این، مواد ۶۹ و ۷۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که «اعتراف در صورتی معتبر است که اعتراف کننده دارای بلوغ، عقل، اراده و آزادی باشد» و همچنین «اعتراف باید صریح بوده و با پرونده تناقضی نداشته باشد.» در غیر این صورت معتبر نخواهد بود.

۷۴. در مورد توصیف ماده ۱۰ در سومین گزارش ادواری، باید متذکر شد که همه زندانها در جمهوری اسلامی ایران تحت نظارت دادستانها یا معاونین آنها هستند. آنها می‌توانند زندانها را هرگاه که بخواهند مورد بازرسی قرار دهند و در صورت هر گونه تخلف، ناقضان را مورد پیگرد قرار دهند.

۷۵. در حال حاضر، سه معاون دادستان در استان تهران تحت عنوان امور زندانها، امور زندانیان مواد مخدر و امور زندانیان زن وجود دارد. در عین حال، نظارت بر زندانیان امنیتی تحت نظر خود دادستان انجام می‌شود.

۷۶. نکات زیر را در انجام وظایف سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی باید در نظر داشت:

أ) در حال حاضر، همه مکان‌هایی که به صورت بازداشتگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند تحت مدیریت و نظارت این سازمان هستند و علاوه بر نظارت درون سازمانی (بازرسی، امنیت، قضایی و اجرای حکم)، تحت نظارت عالی دادستان هستند. قضات ناظر نیز از سوی دادستان ماموریت دارند به واری و نظارت بر همه بخش‌ها بالاخص امکان زندانیان و متهمان امنیتی به نحو تصادفی و بدون اعلام قبلی پردازند.

ب) از آنجا که مسئولیت زندانها بر عهده سازمان مزبور به عنوان یک نهاد مستقل وابسته به قوه قضاییه است (بر خلاف کشورهای که زندانها تحت نظر پلیس هستند) زندان هیچ نقشی در تحقیق، بازجویی و کشف جرم ارتكابی ندارد. بنابر این، پرسش از بد رفتاری با زندانیان منتفی است. همچنین، آموزه‌های دینی اجازه انجام چنین رفتارهایی را نمی‌دهد.

ت) بخش‌های ۳۵۰، ۲ الف و ۲۴۰ از خدمات و تسهیلات معمول برخوردارند.

ث) اصلاحات در نظام مدیریت زندان موجب تبدیل سلول‌های انفرادی به سوئیت‌های منفرد شده است. در دوره تحقیق قضایی به ندرت از این سوئیت‌ها برای عدم مواجهه مرتکبان یک جرم با یکدیگر بالاخص با دستور قاضی تحقیق استفاده می‌شود.

ج) قانون اساسی و دیگر قوانین عمومی کشور از جمله قانون حمایت از آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندان تمسک به شکنجه و سوء رفتار با زندانیان را منع می‌کند. بر این اساس، ماموران و مقامات زندان آموزش‌های خاصی را دیده‌اند. در عین حال، بازجویی متهمان هیچ ارتباطی با مدیریت زندان ندارد.

ح) در زندان اوین از جمله بند ۳۵۰ درمانگاه‌هایی وجود دارد. در این زندان همچنین بیمارستانی وجود دارد که خدمات پزشکی استاندارد عرضه می‌کند. زندانیان در مقایسه با اعضای عادی جامعه دسترسی آسان تری به خدمات پزشکی و پزشکان دارند که مجانی است.

۷۷. با ارجاع توصیف ماده ۲۴ در گزارش ادواری سوم، اقدامات صورت گرفته توسط جمهوری اسلامی ایران بدین قرارند:

- قانون مجازات قاچاقچیان مواد مخدر در مرزها، مصوب ۱۹۸۷، توسط مجلس شورای اسلامی،
- قانون حمایت از کودکان و جوانان مصوب ۱۳۸۱ توسط مجلس شورای اسلامی.

۷۸. فراتر از این، مجلس شورای اسلامی قانون قاچاق اشخاص را در سال ۱۳۸۳ با هدف محافظت از کرامت افراد تصویب کرد. حکومت با اتخاذ سیاست‌های عدالت محور برای توزیع عادلانه‌ی درآمد ملی و آماده سازی زمینه برای رشد، پیشرفت و قدرت بخشی به زنان و مردان، بدون توجه به مسائل جنسیتی با هدف نهایی ممانعت از پدیده‌ی زشت قاچاق افراد تلاش کرده است.

۷۹. آموزش حرف و مهارت‌های مناسب، افزایش توانایی‌ها و دانش مردان و زنان نیز از جمله اقدامات اتخاذ شده توسط مقامات برای ایجاد مشاغل نان آور و ممانعت از اعمال نامشروع و غیر قانونی بوده است.

۸۰. اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای فقر زدایی بالاخص در میان زنان از طریق کمک‌های مالی، ایجاد شغل و پشتیبانی از تعاونی‌های زنان به منزله ابزاری برای قدرت بخشی در برنامه کار جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۸۱. برای ارتقای حمایت از حقوق کودکان، مواد ۱۸ و ۱۹ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که توسط دولت به تصویب رسیده و در مراحل نهایی قانونی است تا ده سال زندان برای خرید، فروش، قاچاق و انتقال عضو بدن در نظر گرفته است. این مجازات‌ها قابل بخشش یا تعلیق نیست و اگر توسط والدین، قیم‌ها و افراد متخصص از جمله پزشکان انجام گیرد آنها به اشد مجازات محکوم می شوند. ماده ۲۶ این لایحه مجازات‌هایی را نیز برای مرتکبانی که هویت قانونی دارند در نظر گرفته است.

۸۲. باید متذکر شد که بر اساس ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی، اگر سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل بواسطه بی‌توجهی یا تنزل اخلاقی پدر یا مادر که حضانت طفل را بر عهده دارند در معرض خطر باشد، یا اگر آنها کودک را مورد آزار قرار دهند و به کارهای غیر اخلاقی مثل روسپی‌گری، گدایی یا حمل مواد مخدر مجبور سازند دادگاه می‌تواند برای حمایت از حقوق کودک حق حضانت را از والدین سلب کند.

۸۳. به خاطر اهمیت این موضوع و با ملاحظه حقوق کودک، ادارات پلیس استان‌های مرزی مأموریت دارند این موضوع را با توجه بسیار زیاد دنبال کنند و هرگونه تحول در این ارتباط را به شورای امنیت استان‌ها و شهرها و نیز به کمیته مشترک قوه‌ی قضاییه و نیروی انتظامی برای اتخاذ تصمیم تامینی و پیش‌گیرانه و اعمال آن بر اساس مصلحت کودک گزارش دهند.

۸۴. پیوستن جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری میثاق حقوق کودک در باب فروش کودکان، فحشای کودکان و وقاحت‌نگاری کودکان در سال ۲۰۰۷ یک تحول مهم بود. شایسته تذکر است که در قانون مجازات افرادی که در فعالیت‌های سمعی بصری و اعمال غیر مجاز (مصوب ۲۰۰۷) درگیر باشند و نیز در مواد ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، نمونه‌هایی از تمهیدات ذکر شده در پروتکل اختیاری قید شده است.

پاسخ به پرسش ۱۸

۸۵. با ارجاع به ماده ۲۴ گزارش ادواری سوم آمارهای موجود بدین قرارند:

بازداشت‌ها و محکومیت‌ها تحت قانون مبارزه با قاچاق افراد

سال	تعداد افراد
۲۰۰۴	۳۶
۲۰۰۵	۳۹۳
۲۰۰۶	۲۵۹
۲۰۰۷	۱۶۷
بر حسب تقویم خورشیدی (سه سال آخر)	
۱۳۸۷	۵۳۰
۱۳۸۸	۴۲۷
۱۳۸۹	۴۷۸

۸۶. در ارتباط با توصیف ماده ۱۴ گزارش ادواری سوم، پاسخ‌های زیر به سوالات مطرح شده داده می‌شود:

أ) حق کمک حقوقی بر اساس انتخاب فرد:

۱) در اصل ۳۵ قانون اساسی و در قانون آیین دادرسی کیفری به این حق اشاره شده است و این طور آمده که متهم می‌تواند به انتخاب خود وکیل داشته باشد. ماده ۱۸۵ آیین دادرسی کیفری نیز می‌گوید در همه پرونده‌های کیفری، دو طرف می‌توانند وکیل مدافع خود را انتخاب کرده و معرفی کنند. زمان محاکمه باید به متهم، شاکی، مدعی خصوصی و وکلای مدافع اعلام شود. در صورت تعدد وکلا، حضور یک وکیل از هر طرف در دادگاه کافی است (بیان این نکته نشان می‌دهد که متهم می‌تواند بیش از یک وکیل داشته باشد).

۲) ماده ۱۸۶ آیین دادرسی کیفری می‌گوید متهم می‌تواند از دادگاه نصب وکیل برای خویش را تقاضا کند. اگر دادگاه از ناتوانی متهم برای پرداخت دستمزد وکیل اطلاع داشته باشد، از میان وکلای حوزه قضایی خود یا حوزه مجاور وکیلی را برای وی منصوب می‌کند (هزینه‌های وکیل توسط اداره‌ی دادگستری پرداخت می‌شود).

۳) همچنین باید متذکر شد که ادارات کمک حقوقی در همه حوزه‌های قضایی در سراسر کشور وجود دارند. وکلا و مشاوران این دفاتر، خدمات و مشاوره حقوقی مجانی به افراد متقاضی ارائه می‌کنند.

ب) حق تفهیم اتهام در باب ماهیت و دلیل اتهامات جنایی.

۱) اصل ۴۲ قانون اساسی می‌گوید «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۲) مواد ۱۱۲ و ۱۳۰ آیین دادرسی کیفری شامل است بر تمهیداتی در باب محافظت از حقوق متهم به نحوی که او می‌تواند برای انتخاب وکیل مدافع با اطلاعاتی که از ماهیت و علل اتهامات دریافت می‌کند فرصت داشته باشد. در ماده ۵۷۵ قانون

مجازات اسلامی، قانونگذار مجازات‌هایی برای نقض تمهیدات مذکور مثل محرومیت همیشگی از پست‌های قضایی یا مقامات دولتی برای ۵ سال در نظر گرفته است.

۳) اداره‌ی دادستانی در فرایند محاکمه باید همه حقوق متهم را به طور مکتوب برای وی قرائت کند. ماده‌ی ۶۳ این لایحه تضمین کننده ماده‌ای است که مقرر می‌دارد ناقض این امر از ۳ ماه تا یک سال از مقامات دولتی کنار گذاشته می‌شود.

ت) همان طور که در قسمت اول پاسخ به پرسش ۱۹ ذکر شد، حق کمک قانونی در نظام قضایی ایران در نظر گرفته شده است. باید اضافه کرد که بر طبق تبصره‌ی ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری، در شرایطی که موضوعات مجرمانه مطرح باشد یا حضور یک فرد غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود و نیز در جرائم علیه امنیت کشور، وکیل مدافع می‌تواند در هر مرحله از تحقیق با مجوز قاضی تحقیق حاضر باشد. در این ارتباط، باید به تقدم منافع عمومی بر منافع خصوصی اشاره کرد. بنا به اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ کس نمی‌تواند حقوق و مصالح عمومی را به نفع منافع خصوصی خویش نقض کند.

ث) اصل ۳۷ قانون اساسی به وضوح به اصل برائت اشاره کرده است و ماده ۱۷۷ آیین دادرسی کیفری وظیفه دادگاه را از حیث رعایت اصل مذکور بیان داشته است. باید متذکر شد که ماده ۴ آیین دادرسی کیفری علاوه بر تاکید بر رعایت اصل برائت نتایج این اصل را از حیث رعایت آزادی‌های افراد و رعایت حریم خصوصی تحت نظارت قانون و اقتدار قضایی تضمین می‌کند.

ج) حق محاکمه‌ی علنی: بنا به اصل ۱۶۵ قانون اساسی «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.» همچنین بنا به اصل ۱۶۸ قانون اساسی، محاکمه جرائم سیاسی و مطبوعاتی به طور علنی و در حضور هیئت منصفه در دادگاه صالحه انجام می‌گیرد.

ح) حق استیناف در دادگاه: بنا به اصل ۱۵۹ قانون اساسی «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.» در این ارتباط، مواد ۲۱۷، ۲۳۳، ۲۳۶، و ۲۳۹ آیین دادرسی کیفری حق استیناف را تضمین می‌کنند.

۸۷. لازم به تذکر است که مواد ۲۷۲ و ۲۷۳ آیین دادرسی کیفری به استماع در رعایت احتیاط در موارد خاص تمسک می‌جویند. همچنین، هیچ دادگاهی در زندان اوین وجود ندارد؛ و دادگاههای انقلاب نمی‌توانند قوانینی به جز قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری را دنبال کنند. بر اساس لایحه تازه آیین دادرسی کیفری، دادگاه انقلاب شعبه اول دادگاه کیفری خواهد بود.

پاسخ به پرسش ۲۰

۸۸. بند ۱۴۱ گزارش ادواری، تبصره ۱۲ قانون حقوق مدنی اعلام می‌کند که «پاسخ‌ها باید به همان شکلی و کیفیتی که عرضه می‌شوند بدون هر گونه تغییر مکتوب شوند و برای مدعی قرائت شوند؛ و افراد باسواد اگر بخواهند می‌توانند اظهارات خود را برای ممانعت از ظن تحریف مکتوب سازند.» بنا به تبصره‌ی ۱۴ این بند، تملک غیر مجاز اموال و کالاهای مصادره شده دارای پیامدهای حقوقی است و باید به شدت از آن پرهیز شود. تصمیم قانونی باید با ملاحظه اموال مصادره شده در اولین فرصت ممکن اخذ شود.

۸۹. تاسیس هیئت نظارت بر اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حمایت از حقوق شهروندی: با توجه به مسئولیت قوه قضاییه در تضمین حقوق مردم و به دلیل اهمیت موضوع و برای محافظت از کرامت و ارزش‌های انسانی، رئیس قوه قضاییه آیین‌نامه‌ای را در مورد حقوق شهروندان در ۲۰ فروردین ۱۳۸۳ صادر کرد و به نمونه‌هایی از حقوق بشر ارجاع داد. تاکید لازم همچنین متوجه بود به رعایت این امر از سوی همه مراجع و شعب قضایی. این آیین‌نامه بلافاصله توسط مجلس شورای اسلامی به صورت یک قانون به تصویب رسید. شورای نگهبان این قانون را در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ تایید کرد و آن را برای اجرا به دولت فرستاد. تبصره یک این قانون متضمن آزادی‌ها و امنیت افراد و تبصره ۸ متذکر مجازات برای نقض حریم خصوصی مردم است. تبصره ۱۳ به نظارت دادگاه‌ها و دادستان‌ها بر بازداشتگاه‌ها و رفتار ماموران و نیز تشویق ماموران خوش رفتار و رفتار مناسب علیه موارد نقض می‌پردازد.

۹۰. در باب پاسخ به پرسش ۱۲ در مورد محاربه، اعمال نفوذ هر مقامی در یک پرونده قضایی هیچ تاثیری ندارد چون قضات و قضات تحقیق باید دقیقاً به وظایف خود عمل کنند و احکام خود را بر اساس تمهیدات آیین دادرسی کیفری، اسناد و شواهد پرونده، و ملاحظات اصول ۷۳ و ۱۶۴ قانون اساسی، حق تفسیر قضایی قاضی و استقلال او صادر کنند. همچنین هر گونه تلاش برای سوء استفاده و نفوذ مجازات قانونی به دنبال دارد.

پاسخ به پرسش ۲۱

۹۱. با ارجاع به توصیف ماده ۱۴ گزارش ادواری سوم و همان طور که در پاسخ به سوال ۱۹ مطرح شد، اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری حق وکیل را به رسمیت شناخته‌اند. گرچه، تبصره ماده ۱۲۸ محدودیت‌هایی برای مداخله‌ی وکیل قائل می‌شود، لایحه تازه‌ی آیین دادرسی کیفری هیچ محدودیتی بر حضور

و مداخله و کلای مدافع در جرائم علیه امنیت کشور یا دیگر جرائم نمی‌گذارد. بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این لایحه اگر قاضی تحقیق دسترسی مدعی یا وکیل به محتوای پرونده را غیر ضروری یا نامربوط تشخیص دهد او می‌تواند از چنین درخواستی امتناع کند. تصمیم وی باید بلافاصله به مدعی اعلام شود و در مدت سه روز قابل اعتراض خواهد بود.

پاسخ به پرسش ۲۲

۹۲. با ارجاع به توصیف مواد ۱۸ و ۲۶ در سومین گزارش ادواری:

- أ) اصول متعدد قانون اساسی شامل بر اصول ۲۳ و ۳۲ حقوق و آزادی‌های اساسی همه‌ی شهروندان و توابع ایران را به رسمیت شناخته‌اند و با آنها باید بدون توجه به قومیت، نژاد، زبان و دیگر پیوستگی‌هاشان به تساوی رفتار کرد.
- ب) بر طبق تمهیدات قانون اساسی «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» همه‌ی شهروندان کشور، مرد و زن، به طور مساوی از حمایت قانون برخوردارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بر اساس ملاک‌های اسلامی برخوردارند و «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»
- ت) اصل ۱۳ قانون اساسی در مورد آزادی انجام مراسم مذهبی است. برای کمک به اقلیت‌های مذهبی بودجه‌ای نیز در بودجه‌ی سالانه کشور در نظر گرفته شده است. در کنار بودجه مصوب، سه میلیون دلار هم برای اقلیت‌ها توسط دولت در نظر گرفته شده است. در مجلس شورای اسلامی پنج کرسی به نمایندگان انتخابی این اقلیت‌ها تخصیص یافته است، در حالی که کشورهای مدعی حمایت از حقوق بشر و دارای میلیون‌ها مسلمان هیچ نماینده مسلمانی در پارلمان‌شان ندارند.
- ث) بر اساس اطلاعات و نکات ذکر شده، اساساً مطالب ذکر شده در پرسش پایه قانونی، صوری و عملی ندارند. در واقع، حکومت جمهوری اسلامی ایران از نکات مطرح شده توسط کمیته محترم شگفت زده شد چون هیچ مسیحی هرگز برای پیروی از دین خویش بازداشت نشده است.
- ج) ماده ۲۲۵ از لایحه تازه، حذف شده و شورای نگهبان با این تصمیم مخالفت نکرده است.
- ح) ادعای «ممنوعیت» یا «ممانعت» از برگزاری مراسم مذهبی اقلیت‌ها به زبان خود یک رهیافت انحرافی و گمراه کننده است. قانون و مقررات ایران هیچ محدودیتی بر اقلیت‌ها در انجام مراسم آنها به هر زبانی علاوه بر زبان رسمی کشور اعمال نمی‌کند.

پاسخ به پرسش ۲۳

۹۳. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس اصل ۳۶ قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی، جرائم بر اساس قانون تعریف شده و درمورد آنها تصمیم گیری می‌شود. جرائم مبهم بی معنی هستند و همان طور که در پاسخ به پرسش ۱۲ ذکر شد، محاربه به عنوان یک عمل تروریستی تعریف شده و تعریف روشنی دارد. در باب تبلیغ علیه حکومت، باید متذکر شد که بر اساس اصل ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی هرگونه تبلیغ علیه دولت جرم تلقی شده و مرتکب پس از محاکمه در دادگاه و ثبوت جرم مجازات می‌شود. در این موضوع خاص، مواردی بوده که مجازات مرتکبان با پرداخت جریمه جایگزین شده است.

پاسخ به پرسش ۲۳

۹۴. در ارجاع به توصیف ماده ۱۹ در سومین گزارش ادواری، باید متذکر شد که ۴۴۰۴ نشریه از جمله روزنامه، هفته نامه، ماهنامه و گاهگاهی در کشور منتشر شده است که از آنها ۸ نشریه به واسطه نقض قوانین و مقررات نشر به صورتی که می‌آید بسته شده‌اند:

شماره	اسم نشریه	صاحب امتیاز	مدیر مسئول	نوع	زمان صدور مجوز	زمان و علت توقیف
۱	بهار	سعید پورعزیری	سعید پورعزیزی	روزنامه	۱۳۷۴/۱۰/۲۵	بندهای ۱، ۸ و ۱۱ قانون مطبوعات هیئت نظارت بر مطبوعات ۳۰ فروردین ۱۳۸۹
۲	کارنامه	نگار اسکندفر	نگار اسکندفر	هفته نامه	۱۳۷۶/۱۲/۱۸	حکم شعبه ۷۶ دادگاه کیفری تهران
۳	نامه	کیوان صمیمی بهبهانی	کیوان صمیمی بهبهانی	ماهنامه	۱۳۷۶/۱۱/۲۷	ماده ۶ قانون مطبوعات هیئت نظارت بر مطبوعات ۱۳ شهریور ۱۳۸۵
۴	نصیر بوشهر	حسن لاوری	حسن لاوری	هفته نامه	۱۳۸۶/۱۲/۸	بندهای ۱، ۸ و ۹ قانون مطبوعات ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی هیئت نظرت بر مطبوعات ۱۵ شهریور ۱۳۸۹

۵	سرو ابرکوه	احمد رضا قدیریان	احمد رضا قدیریان	ماهنامه	۱۳۸۷/۹/۲۹	بند ب ماده ۷ و بند ۱۰ ماده ۶، تبصره ۲ ماده ۶ و تبصره ۱۲ قانون مطبوعات هیئت نظارت بر مطبوعات ۲۳ فروردین ۱۳۸۹
۶	خیام نامه	عبدالله عمرانی	رضا مهرداد	هفته نامه	۱۳۸۲/۸/۱۹	بندهای ۸، ۱۱ و ۱۲ ماده ۶، تبصره ۲ ماده ۶ و تبصره ۱۲ قانون مطبوعات هیئت نظارت بر مطبوعات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۹
۷	بدر	چنگیز اردلان	چنگیز اردلان	ماهنامه	۱۳۸۲/۴/۱۶	بندهای ۸ و ۱۱ قانون مطبوعات، هیئت نظارت بر مطبوعات ۱۰ خرداد ۱۳۸۹
۸	حیات نو اجتماعی	سید هادی حسینی خامنه‌ای	محسن بهرامی آراز	روزنامه	۱۳۸۰/۸/۱۹	بندهای ۴ و ۵ و ۸ ماده ۶، تبصره ۲ ماده ۶ و تبصره ۱۲ قانون مطبوعات، هیئت نظارت بر مطبوعات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۹

پاسخ به پرسش ۲۴

۹۵. این پرسش در چارجوب یک «ادعا» است و تاسف آور است که کمیته محترم چنین ادعای بی‌پایه و غیر مستندی را به صورت سوال مطرح کرده است. پذیرفته نیست که فردی صرفاً برای روزنامه نگار بودن یا ترک کشور، مورد بازجویی قرار گیرد. از کمیته محترم انتظار می‌رود که مسائل مبتنی بر واقعیات را مطرح سازد و از طرح موارد کلی که به موقعیت کمیته برای تعامل سازنده تر ضرر می‌زند خودداری کند.

پاسخ به پرسش ۲۵

۹۶. با ارجاع به توصیف ماده ۱۹ در سومین گزارش ادواری، باید متذکر شد که در جمهوری اسلامی ایران با همه رسانه‌ها، مکتوب یا مجازی، بر اساس قانون رفتار می‌شود. بر اساس قانون جرائم رایانه‌ای، قوه قضاییه باید کمیته‌ای را برای طرح شواهد محتوای مجرمانه تاسیس کند. بر اساس قوانین و مقررات، این کمیته در مورد نمونه‌های معرف پایگاه‌های اینترنتی که امنیت و آرامش جامعه را به خطر می‌اندازند، جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی را بسط می‌دهند، اطلاعات نادرست پخش می‌کنند، به گروه‌های تروریستی یاری می‌رسانند و مانند آنها تصمیم می‌گیرد. مراجع قانونی مربوطه وظیفه دارند با مرتکبان جرائم بر اساس قوانین موجود برخورد کنند. این رهیافت ناقض آزادی بیان و حریم خصوصی افراد نیست اما تضمین کننده حقوق و حریم شهروندان در محیط اینترنت است. این امر همچنین تقاضای جدی مردم از حکومت و دولت است که در برابر کسانی که عامدانه و بدون توجه به حریم مردم تجاوز کرده و اطلاعات خصوصی آنها را افشا می‌کنند ایستادگی کند.

پاسخ به پرسش ۲۶

۹۷. با ارجاع به توصیف ماده ۲۶ در سومین گزارش ادواری، باید متذکر شد که اولاً بهایی‌گری یک دین نیست؛ بهایی‌گری یک فرقه است که برای کسب دستاوردهای سیاسی بنیان گذاشته شده است. دوم آن که، بر اساس مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، هرکس دارای حق آزادی اندیشه، باور و بیان است. بدین ترتیب، بهره‌گیری از این حق مستلزم آن است که بیان باورهای افراد به آزادی‌های دیگران و نیز امنیت، نظم، بهداشت و اخلاقیات جامعه آسیب نرساند و در این حال اعتراضی بدان وجود ندارد. و سوم آن که اتهام تبعیض و دشمنی بار حقوقی دارد و مستلزم سند و شاهد است. در هر صورت، بر اساس حاکمیت نظم عمومی، هر گونه عمل مخل نظم عمومی تحت پیگرد مراجع قانونی قرار می‌گیرد و ادعای صرف بیان باور و تبلیغ مانع از اقدامات قضایی نیست.

پاسخ به پرسش ۲۷

۹۸. در جمهوری اسلامی ایران، حقوق کارگران به روشنی توسط قانون کار تضمین شده و هر گونه عمل مقامات بر اساس تضمین‌های قانونی است. اعمال ذکر شده مبتنی بر سیاست حکومتی سختگیرانه علیه کارگران نبوده بلکه عکس‌العملی علیه اخلال در نظم و امنیت عمومی، پیشگیری از عدم امنیت اجتماعی، ممانعت از به هم ریختگی در امور جاری کشور و پیش‌گیری از اعمال غیر قانونی در جامعه بوده است. همین اعمال حتی در مقیاسی بزرگ تر در دیگر کشورها نیز صورت می‌پذیرد. بازداشت و زندانی کردن برخی از عناصر هدایت کننده مثل

برانگیزانندگان نا آرامی، در واقع از یک سو گزینه هدفمند، سازنده، و مصلحانه متوجه به دامن زدن فضای ناآرامی و شورش در مرحله‌ی تحول از نا آرامی صنفی به نا آرامی اجتماعی بوده است و از سوی دیگر کنشی است برای ممانعت از کنش‌های غیر قانونی. در هیچ یک از رخدادها در صورتی که سازمان‌های کارگری به فراتر از فضای گفتگوی اجتماعی و تعامل‌های عادی صنفی گام نگذارند هیچ عمل ممانعت جویانه‌ای انجام نشده است.

۹۹. سیاست جمهوری اسلامی ایران مبتنی است بر روح گفتگوی سازنده برای حل هر گونه مشکل. حکومت بر این باور است که روش‌های دشمنانه بر تعامل سازنده سایه می‌افکند.

۱۰۰. در هر صورت، اقدام قانونی و بازداشت هنگامی صورت می‌گیرد که حاکمیت قانون رعایت نشود و در نتیجه، نظم عمومی به مخاطره افتد، و اموال عمومی و خصوصی مورد تجاوز قرار گیرد. در چنین شرایطی همه ابزارهای قانونی داخلی و بین‌المللی حکومت را به اتخاذ تدابیر مناسب فرا می‌خوانند.

پاسخ به پرسش ۲۸

۱۰۱. با ارجاع به توصیف ماده ۲۶ گزارش ادواری سوم، باید متذکر شد که نسبت دادن این عنوان به افرادی که بر اساس رفتار ضد اجتماعی خود و تحت عنوان هدفی مقدس هنجارهای جامعه را نادیده می‌گیرند می‌تواند توهینی به هنجارها و معیارهای ملی و بین‌المللی باشد. توجه زیاد جمهوری اسلامی به زنان و ارتقای موقعیت آنها یک واقعیت انکار ناپذیر است.

۱۰۲. در ۳۲ سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران اقدامات اصولی، پیوسته، و هدفمند برای ارتقای موقعیت زنان در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی و رفع تبعیض انجام داده است. در نتیجه این سیاست، موقعیت زنان جهش‌های بزرگی در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه داشته است. بر این اساس، با حضور تعداد قابل توجهی از زنان فعال حقوق بشر در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی و دستاوردهای عملی آنها در جامعه، کنش قانونی علیه افرادی که تحت عنوان فعالیت برای زنان ملاحظات قانونی را نادیده می‌گیرند ضروری می‌سازد. برخی از فعالان زن هرگز به طور قانونی تاسیس یک سازمان قانونی را تقاضا نکرده‌اند و برخی به بودجه‌هایی با منابع مشکوک دسترسی داشته و در بی‌نظمی عمومی سهیم بوده‌اند. بدون شک، این نوع فعالیت‌ها در هیچ کشوری تایید نمی‌شوند. اما شایان ذکر است که رفتار نرم و مداراجویانه نظام قضایی ایران و نیز مجازات‌های تخفیف یافته و تعلیقی مرتکبان چنین اعمال غیر قانونی، حاکی از برخورد سازنده کشور با این افراد است.

اصولاً، اگر هیچ اقدامی صورت نگیرد و تحریک برای ایجاد نا آرامی در جامعه صورت نگیرد، هیچ محدودیتی توسط مقامات قضایی مربوطه اعمال نخواهد شد.

پاسخ به پرسش ۲۹

۱۰۳. همانطور که در پاسخ به پرسش‌های پیشین ذکر شد، متأسفانه، پرسش‌های طرح شده توسط کمیته بسیار کلی هستند و در مواردی نکات مبهمی مطرح شده‌اند. از کمیته انتظار می‌رود از این گونه ارجاعات بپرهیزد. به هر ترتیب، برای دادن تصویری روشن به اعضای محترم کمیته، علاقه‌مندیم متذکر شویم که بر اساس اصول متعدد قانون اساسی، حکومت ایران موظف به حفظ حقوق افراد و امنیت قضایی کل جامعه است. بنا به اصل ۲۰ قانون اساسی، همه افراد به طور مساوی از حمایت قانون برخوردارند. بر این اساس، هیچ تفاوت یا تبعیضی میان دانشجویان و دیگر اعضای جامعه در بهره‌گیری از این حقوق وجود ندارد. در عین حال، همه افراد موظفند قوانین و مقررات را رعایت کنند. بر این اساس، با هرگونه عمل در محیط‌های علمی و آموزشی بر اساس قوانین و مقررات جاری کشور و مراکز دانشگاهی برخورد می‌شود. از سوی دیگر، اقدامات پیشگیرانه علیه هرگونه نقض فردی هنجارهای جامعه بر قانون و مقررات جاری مبتنی خواهد بود. ارتکاب جرم توسط هر کس بدون توجه به موقعیت اجتماعی یا آموزشی وی تعقیب قانونی را به دنبال خواهد داشت. دانشجو بودن کسی را از عکس‌العمل قانونی از جمله بازداشت استثنا نخواهد کرد.

پاسخ به پرسش ۳۰

۱۰۴. با ارجاع به توصیف ماده ۲۳ گزارش ادواری سوم، باید متذکر شد که بر اساس تبصره‌های افزوده شده بر قانون مدنی در سال ۲۰۰۲، حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۵ سال است. باید متذکر شد که در عمل سن ازدواج در میان پسران و دختران در جامعه ایران در اثر دسترسی آنها به منابع اطلاعات و ارتقای فرهنگ جامعه بدین دلیل افزایش یافته است. بدین ترتیب دختران و پسران تمایلی به ازدواج زیر سن ۱۸ سالگی ندارند.

پاسخ به پرسش ۳۱

۱۰۵. با ارجاع به توصیف ماده ۲۳ گزارش ادواری سوم، باید متذکر شد که در همه نظام‌های انتخاباتی و سیاسی، نامزدها باید شرایط خاصی را بر آورده سازند. در جمهوری اسلامی ایران نیز نماینده مردم در مجلس ملزومات

نامزدی در مجلس را مطابق با شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و داخلی کشور را برای خود به اثبات می‌رساند. شورای نگهبان همچنین دارای قدرت نظارت بر اجرای این قانون است. در ایران، انتخابات توسط هیئت‌های اجرایی برگزار و مدیریت می‌شود که اعضای آن معتمد مردم هستند؛ و نظارت شورای نگهبان فراتر از قانون نیست. سازوکار انتخابات و نظام نظارت بر آن از حیث حق مردم در مدیریت عمومی، حق برابری در برابر قانون و بهره‌گیری از حمایت قانون و ملاحظه‌ی عناصر بومی، کاملاً مطابق با ماده‌ی ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است. هیچ تبعیض غیر عقلانی و غیر قانونی در ارتباط با نامزدهای انتخابات اعمال نمی‌شود.

پاسخ به پرسش ۳۲

۱۰۶. با ارجاع به توصیف ماده ۲۵ گزارش ادواری سوم، باید متذکر شد که در نظام‌های پیشرفته دنیا، آنها که برای ریاست جمهوری یک کشور نامزد می‌شوند باید شایستگی‌های ویژه‌ای داشته باشند و کاملاً طبیعی است که بر اساس شرایط قانونی هر جامعه و نیز دانش نخبگان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تنها تعداد اندکی از آنان به عنوان نامزدهای نهایی معرفی می‌شوند.

۱۰۷. ادعای سانسور و شنود در انتخابات قابل قبول نیست. متأسفانه، مشابه با دیگر سوالات، سوالات خاصی فقط بر اساس ادعاهای بی پایه و بدون سند مطرح شده است. با همه رسانه‌های همگانی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قوانین و مقررات مربوطه رفتار می‌شود. بنابراین، در قلمروهایی مثل تبلیغ علیه عفت عمومی، تشویش افکار عمومی، عمل علیه امنیت ملی و مانند آنها محدودیت‌های قانونی اعمال می‌شود. بنابراین هرگونه اقدام قضایی یا بازدارنده علیه مرتکبان یک جرم با رعایت حاکمیت قانون انجام می‌گیرد. ادعای بازداشت‌های دلخواهی فعالان حقوق بشر که در سوال مطرح شده اصولاً بی‌پایه و بی‌اساس است و همه بازداشتها بر اساس حکم قاضی صورت گرفته است.

۱۰۸. رهبر معظم همیشه بر رعایت قوانین و مقررات و نیاز به کارایی آنها تأکید کرده‌اند. رهبر با دیدگاه تشویق مشارکت و دخالت مردم در فرایند انتخابات همیشه بیانیه‌هایی در سطح ملی برای تشکر از مردم برای حضور در سازمان دهی و رای دادن صادر کرده‌اند. پیام و بیانیه‌های مذکور در پرسش از جنس معمول و مذکور بوده‌اند که در همه انتخابات رخ می‌دهند.

۱۰۹. آمار مربوط به تعداد افراد واجد شرایط رای دادن در هر شهر مبتنی است بر اطلاعات فراهم شده از سوی سازمان ثبت اسناد که برای افراد شناسنامه صادر می‌کند. همچنین باید توجه داشت که بسیاری از شهرهای ایران مبدا یا

مقصد مهاجرت (دائم یا موقت) هستند و بنا بر این تعداد مهاجران در یک شهر ممکن است در تعداد افراد واجد صلاحیت نیامده باشد.

پاسخ به پرسش ۳۳

۱۱۰. با ارجاع به توصیف ماده ۲۷ گزارش ادواری سوم، باید متذکر شد که بر طبق قانون اساسی، هیچ ایرانی از امتیاز بر دیگری بر اساس نژاد، دین یا زبان وی برخوردار نیست. البته، طبیعی است که در میان ادیان و زبان‌های موجود فقط یک دین و یک زبان به عنوان دین و زبان رسمی به رسمیت شناخته شده باشند. اما این بدین معنا نیست که شهروندان دیگر ادیان یا دیگر زبان‌ها نمی‌توانند از آزادی‌ها و حقوق خود در حوزه‌های فرهنگی و دینی برخوردار باشند. اصل ۱۹ قانون اساسی می‌گوید که «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» با این حال، همه مردم موظفند تسلیم قانون باشند در حالی که از آزادی‌های خود بهره می‌گیرند. بنا به اصل ۲۰ قانون اساسی «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» قانون اساسی می‌گوید فارسی زبان رسمی کشور است اما دیگر زبان‌های محلی و قومی نیز به رسمیت شناخته می‌شوند. بنا به اصل ۱۵ قانون اساسی «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

۱۱۱. بنابراین، اعضای دیگر گروه‌های قومی و گروه‌های غیر فارسی زبان نه تنها در صحبت کردن به زبان خود آزادند بلکه می‌توانند نشریاتی به زبان خود منتشر کنند و آنها را در مدرسه بیاموزانند.

۱۱۲. در حال حاضر، نشریات زیر دارای مجوز هستند:

أ) نشریات عربی زبان: در حال حاضر ۱۴ نشریه عرب زبان و ۱۳ نشریه عربی-فارسی دارای مجوز هستند.

ب) نشریات آذری زبان: در حال حاضر، کورپو تنها نشریه آذری زبان است اما ۱۲۶ نشریه مصوب آذری-فارسی زبان در سراسر کشور وجود دارد.

ت) نشریات ارمنی زبان: سه نشریه ارمنی زبان دارای مجوز هستند به نام‌های *آلیک*، *هوویس* و *هان‌دس گراکانوتیان*. ۷ نشریه فارسی-ارمنی و انگلیسی یا آسوری وجود دارند.

- ث) نشریات زرتشتی: دو نشریه، *آموداد* و *فروهر* توسط زرتشتیان به زبان فارسی منتشر می‌شوند.
- ج) نشریات آسوری: یک نشریه، *پیام آشوریان*، توسط اقلیت آسوری به زبان فارسی - آسوری منتشر می‌شود.
- ح) نشریات یهودی: یک نشریه تحت عنوان *عصر خانواده*.
- خ) نشریات کردی: یک نشریه تحت عنوان *سوه* و ۱۳ نشریه کردی - فارسی.

۱۱۳. در عین حال فعالیت‌های بسیار و دیگر فرهنگی و اجتماعی مرتبط با اقلیت‌ها در کل کشور وجود دارد، از جمله:
- أ) مجوزهای صادره برای کنسرت‌های موسیقی، نمایش و دیگر مراسم برای ارمنی‌ها، یهودیان و زرتشتیان (۱۴۰ مورد).
- ب) گسترش کار میسیونرهای دینی خارجی در کلیساهای ایرانی (۳۵ مورد).
- ت) صدور ویزا برای میسیونرها (۳۰ مورد).
- ث) صدور مجوز برای برگزاری مسابقات ورزشی فرهنگی در باشگاههای مربوطه (۱۹ مورد)
- ج) صدور مجوز برای نشر کتاب تحت عناوین مذهبی - فرهنگی - اجتماعی برای مسیحیان، زرتشتیان و یهودیان
- ح) همکاری با وزارت امور خارجه، وزارت آموزش و پرورش، وزارت کشور، سازمان فرهنگ، پلیس و وزارت اطلاعات برای حل مسائل مرتبط با اقلیت‌های دینی.
- خ) تخصیص غرفه‌های خاص برای نشریات اقلیت‌های دینی در طی نمایشگاه کتاب.
- د) صدور ویزا برای دانشجویان و روزنامه نگارانی که از امکان اقلیت‌های دینی دیدار می‌کنند.
- ذ) برگزاری مهمانی سالانه برای دیدار پیروان ادیان غیر مسلمان با وزارت فرهنگ.
- ر) تخصیص بودجه‌ای خاص برای کمک به اقلیت‌های دینی رسمی در بودجه سالانه کشور.

۱۱۴. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم در جهان از سابقه خود در مبارزه با تروریسم مفتخر است. قوانین و مقررات ایران هر گروه مذهبی یا اقلیت را از این کارزار و مبارزه مستثنی کرده است.

۱۱۵. بر اساس اصل ۱۹ قانون اساسی، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» نظام قضایی ایران هیچ امتیازی را برای افرادی با پیشینه مذهبی، زبانی و قومی در جریان صدور حکم در دادگاهها در نظر نگرفته یا چنین امتیازی را اعطا نکرده است. این

نسبت‌ها در مدارک پرونده ذکر نشده است. بنابر این، تنها اعمال مجرمانه افراد مورد ملاحظه قرار می‌گیرد بدون توجه به پیشینه قومی متهم.

پاسخ به پرسش ۳۴

۱۱۶. با ارجاع به توصیف ماده ۲۷ در سومین گزارش ادواری باید متذکر شد که براساس اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه مردم ایران به طور مساوی تحت حمایت قانون هستند و از حقوق مساوی برخوردار؛ و هیچ استثنایی بر این قاعده وجود ندارد. این یک معیار برجسته بین‌المللی است که در قانون اساسی ایران وجود دارد. بر اساس این تمهیدات، حکومت بر حمایت از حقوق مشروع مردم بدون استثنا تاکید داشته است. مراجع قانونی و حکومت با افراد بر اساس پیوندهای قومی یا ایدئولوژیک برخورد نمی‌کنند. بنابر این، پرسش کمیته بسیار مبهم است و ماهیتی اتهام زننده دارد که به موقعیت کمیته برای تحقق گفتگوی سازنده آسیب می‌رساند. جمهوری اسلامی ایران موكداً از کمیته انتظار دارد که رهیافتی منصفانه به موضوعات داشته باشد. امیدواریم که در جمهوری اسلامی ایران هیچ کس صرفاً به خاطر پیروی از دین بهایی بازداشت یا محاکمه نشود.